



An Analysis of Internal Rhythmic Structure in the Quran and Its Impact on Conveying Meanings *

Mohammad Mahdi Shahmoradi Fereidooni ¹ and Yasin Mohammadi ² and Seyyede Farnaz Ittihad ³

Abstract



Mastery in any discipline necessitates the application of techniques that correspond with its fundamental nature and principles to attain the intended results. The recitation and reading (tilawat) of the Quran, recognized as a specialized art form, exemplify this principle. To execute this art form effectively, one must possess a thorough understanding of the pertinent principles. Central to this understanding is the acknowledgment of the text's characteristics and a profound comprehension of its deeper meanings. A critical element that significantly influences the art of Quranic recitation is the "internal rhythmic structure of the verses," which serves as a prominent illustration of the Quran's rhetorical miracle (i'jaz al-bayani). Considerable effort has been invested in exploring the essence of this rhythmic structure. Grasping this dimension is vital for fulfilling what the Quran describes as "reciting with due right" (haqq tilawat). This analysis adopts a descriptive-analytical methodology to investigate how the internal rhythmic structure of the Quran affects the listener's understanding of the meanings expressed in the verses. Thus, effectively utilizing the Quran's internal rhythmic structure to communicate its meanings demands the careful and systematic adherence to recitation principles by the reciter.

Keywords: Internal Rhythmic Structure, Melodic Tone, Meaning-Oriented Recitation, Art of Recitation (Tilawat), Semantic Rhythm.

*. **Date of receiving:** 22/04/2023, **Date of approval:** 25/12/2023.

1. Assistant Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, University of Mazandaran, Babolsar, Iran (Corresponding Author): Mm.shahmoradi@umz.ac.ir.

2. Master's Student in Quranic and Hadith Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran: Ymohammadi376@gmail.com.

3. PhD Candidate in Quranic and Hadith Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran: Farnazettehad968@gmail.com.



تحلیل نظم آهنگ درون متنی قرآن و تأثیر آن بر انتقال معانی *

محمد مهدی شاهمرادی فریدونی^۱ و یاسین محمدی^۲ و سیده فرناز اتحاد^۳



چکیده

به طور کلی، انجام هر فن به صورت ماهرانه و اصولی نیازمند به کارگیری روش‌هایی متناسب با طبیعت آن فن و مهارت است تا به نتیجه مطلوب دست یابیم. قرائت و تلاوت قرآن نیز به عنوان فنی تخصصی در خواندن آیات قرآن از این قاعده مستثنی نیست. اجرای صحیح این فن، مستلزم آگاهی دقیق از اصول مربوط به آن است. قبل از هر چیز، شناخت ویژگی‌های متنی که در حال خواندن آن هستیم و آگاهی از مفاهیم نهفته در آن اهمیت ویژه‌ای دارد. یکی از اساسی‌ترین حقایقی که نقش برجسته‌ای در فنون تلاوت ایفا می‌کند، "نظم آهنگ درونی آیات قرآن" است که در زمره مهم‌ترین مصادیق اعجاز بیانی این کتاب آسمانی قرار دارد و تاکنون تلاش‌های بسیاری برای کشف حقیقت آن صورت گرفته است. درک این حقیقت ما را در رسیدن به مفهومی که در قرآن کریم به «حق تلاوت» تعبیر شده است، یاری می‌کند. این پژوهش به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی، تأثیر نظم آهنگ درونی قرآن بر دریافت معنا و مفهوم آیات توسط شنوندگان را بررسی می‌کند. بر این اساس، بهره‌گیری از نظم آهنگ درونی قرآن برای انتقال معانی آن، مستلزم رعایت دقیق و منظم اصول تلاوت توسط قاری است.

واژگان کلیدی: نظم آهنگ درون متنی، لحن، تلاوت مفهوم محور، هنر تلاوت، آهنگ معنایی.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۳ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۱/۰۵.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول): Mm.shahmoradi@umz.ac.ir.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران: Ymohammadi376@gmail.com.

۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران: Farnazettehad968@gmail.com.



مقدمه

قرآن کریم، به عنوان آخرین معجزه الهی، با زبان و آوایی ویژه بر پیامبر خاتم نازل شد. در آیات قرآن، به "لسان مبین" به عنوان ویژگی این معجزه اشاره شده است. انسان، به عنوان مخاطب این معجزه و زبان الهی، به صورت فطری به زیبایی و جمال گرایش دارد. امام صادق علیه السلام از امام علی علیه السلام نقل کرده اند که: «خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و همچنین دوست دارد که اثر نعمت هایش را در بندگانش ببیند» (کلینی، ۱۹۹۰: ۴۳۸). این مطلب نشان دهنده فطری بودن علاقه به زیبایی در انسان است.

خداوند رحمان، با نازل کردن قرآن کریم از طریق پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم، دستورالعمل جاودان هدایت بشری را ابلاغ کرده است. قرآن کریم از نظر زیبایی، دلنشینی، صلابت، فصاحت و بلاغت اثری بی همتا است. از آنجا که خالق این کتاب عظیم، خالق حکیم و علیم است، برای ابلاغ دستورات و ارائه راه های هدایت، از اسلوب های ویژه ای بهره برده است. یکی از مهمترین این روش ها، قرائت قرآن کریم است؛ امری که در چند قرن اخیر به طور جدی تر با عنوان "تلاوت قرآن کریم" به آن پرداخته شده و به صورت رشته هایی تخصصی برای آموزش، ارزیابی و برگزاری همایش ها و مسابقات درآمده است. یکی از علل این توجه، پیشرفت دانش زبان شناسی و آواشناسی است. پژوهشگران زبان، به صورت مستقل به عواملی مانند آهنگ، کوبه، تکیه، نواخت، زیر و بمی، امتداد، کشش، طنین و درنگ در دلالت های زبان توجه ویژه دارند (عباس نژاد، ۱۳۸۵: ۴۸).

رابطه لفظ و معنا مانند ارتباط جسم و روح است؛ همان گونه که اختلال در جسم، روح را دچار مشکل می کند، ضعف و اختلال در لفظ نیز معنای آن را مختل می سازد (زرین کوب، ۱۳۶۱: ۸۱). واژگان قرآن کریم، هنگامی که در متن ترکیب می شوند و آیات پشت سر هم خوانده می شوند، از موسیقی و آهنگ درونی متفاوتی برخوردار می شوند. عبارت های قرآن، در عین اوج فصاحت و بلاغت، عاری از پیچیدگی هستند و هیچ گاه در معنای یکدیگر اختلال ایجاد نمی کنند یا موجب جدایی حروف و الفاظ از یکدیگر نمی شوند (طیبی، ۱۳۶۵: ۴۷۷). واژه ها در آیات و آیات در سوره ها، به گونه ای دقیق و علمی جای گذاری شده اند که امکان جایگزینی یا جابه جایی واژه ای با واژه دیگر ممکن نیست. بدون وجود ترادف معنایی، هر واژه تنها در جایگاه ویژه خود رسالت انتقال معنا را به انجام می رساند.

هر فن و هنری دارای ضوابط و چارچوب خاصی است؛ فن تلاوت نیز از این قانون مستثنا نیست. تلاوت قرآن کریم دارای ضوابطی است که معارف و مفاهیم را منتقل می کند. به بیان دیگر، تلاوت قرآن با اسلوب خاص خود نباید جدا از فهم و هدف اصلی قرآن باشد. با وجود این اهمیت، در تلاوت های معاصر، چه در مجالس و مناسبت های خاص و چه در جشنواره ها، مسابقات و همایش های اختصاصی، حق کامل نظم آهنگ درونی متن قرآن کریم رعایت نمی شود و این مسأله می تواند به تلاوت های موجود آسیب برساند.

توجه به نظم آهنگ متن قرآن کریم در آثار برخی محققان، از جمله سید قطب در "التصویر الفنی فی القرآن"، رافعی در "اعجاز القرآن"، عائشه بنت الشاطی در "اعجاز البیانی للقرآن"، مصطفی محمود در "القرآن محاولة لفهم عصري"، و معرفت در "علوم قرآنی"، مشاهده می‌شود. این آثار بیانگر بُعدی از هنر تبلیغ و تعلیم قرآنی هستند. پژوهش‌هایی نیز به صورت مقاله در این زمینه صورت پذیرفته، اما تاکنون از منظر ارتباط معنایی نظم آهنگ قرآن، به ویژه هنگام تلاوت قاری، با انتقال مفهوم آیات، توجه چندانی نشده است. (ر؛ ک: صادقی، ۱۳۹۸)

پژوهش حاضر، ضمن بررسی آراء بزرگان علوم قرآنی در این زمینه، به دنبال اثبات وجود «لحن المعنا» و چینش موسیقایی منطبق با مفهوم در حروف، واژگان و جملات آیات قرآن است. همچنین تلاش می‌شود در این پژوهش، حساسیت و اهمیت این موضوع در نوع خوانش قراء و احساساتشان هنگام پردازش‌های صوتی و لحنی با ارائه تمثیل‌های جدید و نگرشی نو به روش "تحلیل ساختاری" تبیین شود.

الف. مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به بحث اصلی، ضروری است برخی مفاهیم کلیدی که در این بررسی مورد توجه قرار می‌گیرند، به صورت تفصیلی تبیین شوند. برای مثال، مفهوم موسیقی که در این پژوهش مدنظر است با برداشت عمومی از آن تفاوت دارد. بنابراین، برای ورود به بحث این پژوهش، لازم است مفهوم موسیقی و موسیقی قرآن کریم هم از لحاظ لغوی، یعنی کاربرد عام آن، و هم از لحاظ اصطلاح خاصی که در قرآن به کار گرفته می‌شود و در این پژوهش مدنظر است، مورد بررسی و تبیین قرار گیرد.

۱. موسیقی

به تعریف ابن خلدون، موسیقی عبارت است از آهنگ دادن به اشعار موزون، از طریق تقطیع آوازاها به نسبت‌های منظم مشخصی که هر آواز هنگام قطع شدن، "توقیع" کاملی ایجاد می‌کند و در ادامه، یک نغمه شکل می‌گیرد. سپس این نغمه‌ها بر اساس نسبت‌های معین با یکدیگر ترکیب می‌شوند و به دلیل این تناسب، شنیدن آن‌ها لذت‌بخش خواهد بود (ابن خلدون، ۱۳۷۵، مقدمه). از سوی دیگر، ارسطو موسیقی را حکمتی می‌داند که توانایی بشر برای بیان آن با کلمات محدود است و بنابراین، این حکمت در قالب اصوات ظهور می‌یابد (اسدزاده، ۱۳۹۴: ۳۵).

ابوعلی سینا موسیقی را شاخه‌ای از علم ریاضی می‌داند که در آن به بررسی سازگاری نغمه‌ها و زمان‌های بین آن‌ها پرداخته می‌شود (اسدزاده، ۱۳۹۴: ۳۵). افلاطون موسیقی را ناموسی اخلاقی می‌داند که به روح جهانیان، تفکر، جهش تصورات، و تأثیر بر غم و شادی و حیات می‌بخشد (اسدزاده، ۱۳۹۴: ۳۴).



جمع‌بندی این نظرات نشان می‌دهد که "موسیقی" به عنوان یک موهبت منظم و معرفتی، از طریق اصوات دل‌انگیز و تأثیرگذار، بر جان و دل موجودات اثر می‌گذارد. موسیقی ابزاری برای خلق و بسط افکار، هیجانات، و احساسات درونی است و زمینه‌ساز پذیرش مفاهیم کلامی، که در ذات خود دارای حساب و کتاب دقیق است.

در مورد موسیقی که شامل کلام و متن نیز می‌شود، لازم است اشاره شود که در زیبایی‌شناسی متن عربی، توجه بیشتر به شکل و صورت الفاظ و خاصیت موسیقایی آن‌ها معطوف است تا به محتوای آن. طنین یک لفظ و نشستن آن در گوش، محرک مهمی در برانگیختن احساسات هیجانی مخاطب است و در تصویرسازی مفهوم نقش بسزایی دارد (سیدی و شاهوردی، ۱۳۹۲: ۸). ابن رشیق نیز معتقد است که تأثیرگذاری موسیقی الفاظ بر گوش، مشابه تأثیر تحریک‌آمیز تصاویر بر احساسات بینایی است (ابن رشیق، ۱۹۹۲: ۱۲۸).

توجه به این نکته مهم است که موسیقی که محصول دست بشر است، با تمام توصیفاتی که از آن می‌شود، از آن جهت که ساز و کار آن به دست انسان طراحی شده و در مقایسه با تدبیر خالق انسان، اثراتش به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته است، ممکن است علاوه بر اثرات مفید، دارای مضراتی نیز باشد. به‌ویژه در درازمدت، موسیقی ممکن است تأثیر خسته‌کننده‌ای بر گوش و اعصاب و در نهایت بر جسم داشته باشد.

۲. موسیقی قرآن کریم

قرآن کریم، به‌عنوان عالی‌ترین متن، از موسیقی ذاتی دل‌انگیز و بی‌نظیری برخوردار است که برگرفته از مفاهیمی با دقتی فراتر از درک بشر است. برخلاف تعریف‌های عمومی از موسیقی تصنعی، موسیقی قرآن نه تنها خسته‌کننده و آزاردهنده نیست، بلکه از جنبه‌های شفا بخش نیز قابل توصیف است. چراکه روح انسان با آوا و موسیقی الفاظ قرآن مورد خطاب قرار می‌گیرد؛ زیرا قرآن کریم دارای خطاب عام است و هرچه ارتباط با موسیقی قرآن بیشتر باشد، لذت از آن نیز افزون‌تر خواهد بود (نصرآبادی، ۱۳۷۸: ۱۰۵-۱۰۶). به همین دلیل، از آنجا که کلام خداوند متعال با فطرت بشر پیوند دارد، شنیدن موسیقی قرآن نیز لذت‌بخش است. قرآن با ویژگی جامع بودنش، موسیقی‌ای ارائه می‌دهد که برای همگان قابل فهم است و تنها محدود به عرب‌ها یا کسانی که قرآن را به درستی می‌خوانند، نمی‌شود. افراد ممکن است نتوانند قواعد و اصطلاحات تخصصی علم قرائت را بیان کنند، اما در درک و لذت از شنیداری قرآن، همگان برابر هستند. اگر چنین نبود، افرادی که به‌طور ناخودآگاه از شنیدن قرآن ایمان می‌آوردند، هرگز شیفته آن نمی‌شدند.

در مورد موسیقی قرآن کریم، برخی از اهل فن، آن را به ویژگی‌های الفاظ و حروف، از جمله آوای برآمده از تلفظ حروف و طنین آن‌ها، نسبت داده‌اند. همچنین وجود فاصله‌ها در الفاظ، مانند حروف "میم" و "نون" و یا ختم شدن به آن‌ها و حروف مدّی نیز به عنوان اجزای موسیقی قرآن در نظر گرفته شده است (مشکین فام و خالقیان، ۱۳۸۶: ۱۱-۱۵).

آیت‌الله معرفت بر این باور است که واژگان قرآنی به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که در درجه اول، تناسب آوای حروف کلمات هم‌ردیف رعایت شده است. به این معنی که آخرین حرف از هر کلمه با اولین حرف از کلمه بعدی هم‌آوا و هم‌آهنگ شده است تا تلاوت قرآن روان و آسان باشد. همچنین تناسب معنوی کلمات با یکدیگر رعایت شده تا بافت منسجم مفهومی ایجاد شود. علاوه بر این، فصاحت کلمات طبق اصول علم "معانی و بیان" به طور کامل لحاظ گردیده است. در مجموع، هر واژه در جایگاه خاص خود قرار گرفته که قابل تغییر و تبدیل نیست (معرفت، ۱۳۹۸: ۳۱۶).

موسیقی و آهنگ درونی قرآن، بر خلاف موسیقی بیرونی، مربوط به نوای احساس‌انگیزی است که از پیوند و مؤانست میان لفظ و معنا پدید می‌آید. این موسیقی حاصل جلالت تعبیر و ابهت بیان، پدید آمده از مغز کلام و عمق آن است و از ویژگی‌های منحصر به فرد قرآن به حساب می‌آید، که ناظر به قدرت معماری و ساختار و ارتباط درونی الفاظ و پیوند ناگسستگی آن‌ها با معنا است (معرفت، ۱۳۸۹: ۳۳۰). موسیقی قرآن در معنای اصطلاحی، نغمه و آوای ایجاد شده است که دلالت‌های الهام‌بخش دارد و مظهر احساسات انسانی است. این تأثیرات شامل مبالغه در معنا، تکثیر و زیادت، امتداد و پیوستگی، تداعی صداها یا خارجی یا حوادث، خارق‌العاده بودن عمل، ایجاد خوف و اضطراب، بیان غریب بودن، تکرار و پی‌درپی بودن، آشکاری و وضوح، پر سر و صدا بودن، حرکت تدریجی، کندی و سستی در حرکت، بیان عدم آمیختگی، رفع ثقل و سنگینی، و سرعت اجابت و عقوبت است. با اثبات تأثیر موسیقی الفاظ بر معنا، عدم ترادف نیز قابل اثبات است (مشکین فام و خالقیان، ۱۳۸۶: ۳).

با استناد به این تعاریف، می‌توان دریافت که در بطن متن قرآن، آهنگ و موسیقی ذاتی وجود دارد که حلاوت مفاهیم آن را دوچندان می‌کند؛ به گونه‌ای که حتی افرادی که با متن و مفاهیم قرآن آشنایی ندارند، به واسطه موسیقی قرآن به طور غیرمستقیم از مفاهیم آن بهره‌مند می‌شوند (نقی‌پور، ۱۳۷۱: ۴۱۳). مصطفی محمود نیز بر اعجاز قرآن از جنبه آوایی و موسیقایی تأکید کرده و موسیقی و آهنگ آیات را هماهنگ و منطبق با معنای آن‌ها می‌داند (محمود، ۱۹۷۶: ۴۴۵-۴۴۷).

نظم آهنگ و موسیقی قرآن را می‌توان به طور کلی در دو دسته‌بندی مطرح کرد که در این پژوهش به تبیین آنها خواهیم پرداخت.



یک. حُسن انتخاب در واژگان آیات

حسن انتخاب الفاظ در آیات قرآن که به طور دقیق و به جا کلمه به کلمه در کنار یکدیگر قرار گرفته اند، موجب می شود که روح انسان نیز، علاوه بر گوش که ابزار جسمانی و ظاهری دریافت این موسیقی است، در درک نظم آهنگ قرآن دخیل باشد. در خصوص ظرایف انتخاب واژگان در قرآن کریم، همین بس که اگر واژه ای نازیبا باشد، خداوند از عباراتی توضیحی برای بیان آن استفاده می کند. همچنین، اگر واژه ای به صورت جمع نامأنوس به نظر برسد، آن را به صورت قرینه ای لفظی همراه با اسم جمع دیگری می آورد تا نازیبایی در کلام خداوند به چشم نیاید.

به عنوان نمونه، در انتخاب و انتقال معنای "آجر" مشاهده می کنیم که در آیه: «فَأَوْقَدْ لِي يَا هَامَانُ عَلَى الطِّينِ» (قصص/۳۸) - با وجود اینکه فصحا در زبان عربی از "آجر" استفاده کرده اند - خداوند به جای "اصنع الآجر"، واژه را به صورت عبارتی توضیحی بیان کرده است، بدون آنکه از "آجر" استفاده کند (رافعی و ابن الدین، ۱۳۶۱: ۱۷۴).

دو. نقش مخارج حروف و فواصل آیات در ایجاد نظم آهنگ قرآن

با توجه به اینکه متن قرآن نه شعر است و نه نثر، به بخش های پایانی آیات که هماهنگ هستند، لفظ "فاصله" از سوی عالمان مسلمان اطلاق شده است. مدارک و گزارش های تاریخی نشان می دهد که افرادی چون ابوسعید عبدالملک اصمعی، فاء و ابو عبید قاسم بن سلام از جمله کسانی هستند که به ویژگی های آهنگین قرآن پرداخته اند و هر سه از شاگردان قراء سبعة بوده اند (عبدنژاد، ۱۳۸۵: ۶). از نظر بنت الشاطی، فواصل آیات تنها الفاظ نیستند بلکه معنای خاصی را در خود دارند؛ به این معنا که علاوه بر نظم لفظی، از بعد معنایی نیز برخوردار هستند و معانی خاصی از میان این نظم آوایی استخراج می شود (بنت الشاطی، ۱۳۴۸: ۲۳۹).

علاوه بر فواصل آیات، مخارج حروف نیز از جمله عوامل مؤثر در پیدایش آهنگ قرآن به شمار می روند. با ادای صحیح حروف قرآن و رعایت مخارج حروف، زیبایی وصف ناپذیر موسیقی قرآن جلوه گر می شود. زرقانی معتقد است که جنبه موسیقایی قرآن هم دلیل اعجاز آن است و هم موجب حفظ قرآن می شود (زرقانی، ۱۳۸۵: ۹۲۲). در دستور تلاوت قرآن نیز تأکید شده است که نکات مربوط به ادای صحیح حروف و تلاوت با صوت دقیق رعایت شود تا تأثیر معنایی که قرآن باید داشته باشد، به درستی منتقل شود: «افْرَوْوا الْقُرْآنَ بِاللَّحَنِ الْعَرَبِ وَأَصْوَاتِهِمْ» (مجلسی، بی تا، ۱۹۰). توصیه پیامبر اکرم ﷺ درباره لحن و صوت صحیح هنگام قرائت قرآن نیز در همین راستا است: «حَسِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ فَإِنَّ الصَّوْتَ الْحَسَنَ يُرِيدُ الْقُرْآنَ حُسْنًا» (مجلسی، بی تا، ۱۹۴).

به عنوان نمونه، در این پژوهش به مثالی در این زمینه اشاره می شود. یکی از ویژگی های تلاوت «شحات انور»، اجرای تحریرهای مکرر است. به عنوان مثال، در تلاوت آیه «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا» (نساء: ۱۱۰) با تحریر پلکانی معکوس، درکات دوزخ را به تصویر می کشد. وی به عنوان قاری، با پلکانی کردن صدا، درکات دوزخ را به شکلی ملموس برای شنونده ترسیم می کند (حسام پور و جبار، ۱۳۸۹: ۸۵-۱۲۲). همچنین، به کارگیری تکنیک «سکت» توسط منشاوی در قرائت آیه ۲۵ سوره یوسف نمونه ای دیگر از تأثیر لحن و رعایت مخارج حروف بر انتقال معانی آیات قرآن کریم است.

ب. هنر تلاوت قرآن کریم

تلاوت، از ریشه "ت-ل-و" به معنای خواندن است (بیهقی، ۱۳۶۶: ۹۹). ابن فارس در تعریف واژه «تلو» تنها به معنای پی آمدن (اتباع) اشاره می کند و چون در خواندن قرآن آیات به ترتیب و پی درپی می آیند، به آن «تلاوة القرآن» گفته شده است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۵۱). از نظر راغب اصفهانی، واژه تلاوت اختصاصاً به خواندن کتاب های آسمانی اطلاق می شود، بر خلاف قرائت که کاربرد عمومی تری دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۵). در اصطلاح علوم قرآنی، تلاوت به نوعی قرائت گفته می شود که همراه با فهم معنا باشد؛ به عبارت دیگر، قرائتی که با درک مفاهیم همراه باشد تلاوت نامیده می شود (طوسی، ۱۴۱۳: ۱۹۹/۱). بنابراین، براساس محتوای آیه «يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ...» مشخص می شود که منظور تلاوتی است که با تدبر و تأمل در مفاهیم آیات قرآن باشد، به گونه ای که مقدمه ای برای عمل شود و خواندن بدون تفکر در آیات و مفاهیم قرآن، که فاقد تدبر باشد، سودمند نخواهد بود (جعفری، ۱۳۷۶: ۳۴۱). یکی از اهداف مهم بعثت پیامبر ﷺ، تلاوت آیات الهی بر مردم بود: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ» (آل عمران: ۱۶۴)، و مأموریت و تبلیغ رسالت آن حضرت نیز با تلاوت قرآن آغاز گردید. برای اینکه مردم به این کتاب آسمانی جذب شوند، تلاوت آن باید به طور ماهرانه و هنرمندانه انجام گیرد. هنر تلاوت به عنوان اصیل ترین، شریف ترین و مهم ترین هنر اسلامی، هنری است که میلیون ها مسلمان در سراسر جهان از آن بهره مند شده و ده ها هزار نفر به یادگیری آن علاقه مند هستند (شاه میوه اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۱).



تولستوی، در تعریف هنر با نگاه کارکردگرایانه و بر اساس کارکرد اجتماعی و تأثیر آن، چنین می‌گوید: «هنر یک فعالیت انسانی است و عبارت از این است که انسانی آگاهانه و با استفاده از علائم مشخصه ظاهری، احساساتی را که خود تجربه کرده است، به دیگران انتقال دهد؛ به گونه‌ای که این احساسات به دیگران سرایت کند و آنها نیز آن احساسات را تجربه نمایند و از همان مراحل حسی که او گذشته است، بگذرند» (تولستوی، ۱۳۸۳: ۶۱).

با این توصیف، کارکردهای هنری فن تلاوت با تجسم ویژگی‌های روشن و به‌عنوان یک هنر کامل و تمام به‌حساب می‌آید. امروزه موسیقی تلاوت دارای مکتبی مستقل از حیث اسلوب و شیوه - و نه از لحاظ منشأ - است که نوع خاصی از الحان را با هدف ابلاغ و بیان زیباتر آیات قرآن کریم ارائه می‌دهد (شاه‌میوه اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۱۱).

نکته حائز اهمیت این است که در عین حال که تلاوت قرآن یک هنر تنغیمی با ویژگی‌های خاص خود است، رعایت جوانب معنایی در مقام اجرا مهم‌ترین بخش کار یک قاری را تشکیل می‌دهد. در پژوهش‌های مشابه، این موضوع تحت عنوان مؤلفه‌های تلاوت معنامحور مورد توجه قرار گرفته است؛ بنابراین، زیرساخت اولیه و غایت این هنر، انتقال مفاهیم از طریق آوا و موسیقی است که پل ارتباطی بین مفهوم مورد نظر برای القاء و درک مخاطب ایجاد می‌کند.

ج. آهنگ معنایی در الفاظ آیات

رابطه بین "موسیقی و معنا" به اندازه ضرورت زبان برای انسان اهمیت دارد. انسان برای برقراری ارتباط و الفت با دیگران از نعمت ستودنی به نام قدرت تکلم برخوردار است. هرچند انسان معاصر حتی بدون زبان، با استفاده از سایر اعضای بدن و شیوه‌های مختلف می‌تواند با دیگران ارتباط برقرار کند، اما قدرت زبان نسبت به سایر روش‌ها و اعضا برتری دارد و تأثیرش بیشتر از هر ابزار دیگری است. به‌طور مشابه، موسیقی نیز در مورد واژگان و معانی آن نقش مهمی ایفا می‌کند و به‌عنوان زبانی برای بیان مفهوم عمل می‌کند.

با نگاهی به ظاهر آیات قرآن کریم و دقت در انتخاب و چیش دقیق الفاظ و حروف، می‌توان فهمید که موسیقی ذاتی واژگان قرآن جزء جدایی‌ناپذیر آن است و همواره با آن همگام بوده است. این وحدت و یکپارچگی نظم آهنگ درونی باعث پیدایش این عنصر ارزشمند شده است. این ویژگی که در ساختار قرآن کریم آمیخته و مانند خون در رگ‌هایش جاری است، دلیلی آشکار بر وجود "لحن المعنا" خاص در بطن واژگان قرآن است.

در حقیقت، این موسیقی معنایی یا "لحن المعنا" است که احساس شنونده را برمی‌انگیزد و روحش را به جست‌وجو در معارف بی‌پایان سوق می‌دهد. نظام‌مندی و وحدت معنایی باعث پدیدآمدن نظم آهنگ درونی و متعالی می‌شود. خداوند حکیم، معارف و مفاهیم الهی را در قالب الفاظ و عبارات نازل کرده است که نشان‌دهنده تار و پود معانی است.

آهنگی که به‌طور شنیداری شمایل و حالت‌های یک معنا را شرح دهد "لحن المعنا" نامیده می‌شود و این ویژگی در جای‌جای قرآن کریم وجود دارد. یکی از ویژگی‌های متمایز و شگفت‌انگیز آن، طراوت و تازگی دائمی این موسیقی ذاتی است؛ به‌گونه‌ای که آیات و عباراتی از قرآن کریم در تلاوت قاریان، با اینکه متن و کلمات همان است، اما موسیقی و لحن آن هر بار به شکلی جدید و گوش‌نواز است که این وجه تمایز و برتری از معانی و مفاهیم نشأت می‌گیرد.

در قرآن کریم، آیات فراوانی به نزول باران و رحمت الهی اشاره دارد. در سوره ابراهیم آمده است: «وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ» (ابراهیم: ۳۲)، یعنی از آسمان آبی فرو فرستاد تا با برکت آن، محصولات کشاورزی مورد نیازتان برویاند.

در این آیه، نزول و انزال به معنای پایین فرستادن و فروفرستادن در اندازه و مقدار معین از ظرفیت یک چیز است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵۸/۱۲). در این آیه، به معنای فروفرستادن آبی نرم و لطیف اشاره شده که نتیجه آن رویش محصولات و گیاهان مختلف است.

"لحن المعنا" در عبارت «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً» کاملاً مشخص است و آهنگ این عبارت نمایانگر نوع باریدن باران و جلوه‌ای از بارش آبی پر برکت و گواراست که موجب رویش و حیات گیاهان می‌شود. در مقابل، برخی از قاریان هنگام تلاوت این آیه، به‌گونه‌ای می‌خوانند که گویی از آسمان سیل می‌بارد. چنین تلاوتی بر اساس اصول عرفی تلاوت نیست و مفهوم باران پر خیر و برکت را تداعی نمی‌کند. نزول آبی که باعث رویش "ثمرات" و "رزق" می‌شود، با الفاظی که در بیانش آمده، وحدت و تناسب معنوی دارد و عدم تناسب لحن و موسیقی با مفاهیم آیات، نشان‌دهنده عدم رعایت نظم آهنگ درونی آیه و توجه به "لحن المعنا" است.

بر اساس موسیقی معنایی این آیه، ابتدا جایگاه و درجه صوت تعیین می‌شود که هماهنگ با حالت باریدن باران از آسمان به زمین، تَن صدا از درجات بالا به پایین انتقال می‌یابد. قاری با استفاده از روش‌های لحنی خاص و برگرفته از معنای واژگان و موسیقی عربی، تصویر نزول پی‌درپی قطرات نرم و لطیف باران را برای شنونده به تصویر می‌کشد. این رحمت آسمانی که به زمین رسیده و موجب رشد و نمو "ثمرات رزقا لکم" شده است، با انتخاب آوای مناسب، معنا را به‌همراه تلاوت متناسب با آن منتقل می‌کند.



آنچه بیان شد، نمونه‌ای از وجود "لحن المعنا" در الفاظ و عبارات قرآن و تأثیر آن در خلق تصویر ذهنی و انتقال مفاهیم است. این ویژگی در سراسر متن آیات قرآن کریم مشهود است و با تأمل در آیات، این ویژگی بیش از پیش برای مخاطب قابل درک خواهد بود.

د. نظم آهنگ درونی قرآن

یکی از جنبه‌های برجسته بلاغی قرآن کریم که در زمان نزول این کتاب بسیار مورد توجه قرار گرفت و بحث تحدی قرآن نیز به آن مرتبط است، نظم آهنگ درونی الفاظ و عبارات این کتاب آسمانی است. ویژگی‌ای که آیات گران قدر قرآن را از سایر متون و حتی کتب مقدس دیگر ادیان متمایز می‌کند، چینش دقیق آیات و ایفای نقش مناسب هر یک در پیوند با معانی و معارف آیات است.

آیت الله معرفت در توضیح نظم آهنگ درونی قرآن نسبت به موسیقی ساخت بشر می‌گوید: «موسیقی بیرونی حاصل صناعت‌هایی مانند قافیه، سجع، و تجزیه یا تقسیم سخن منظوم به مصراع‌های مساوی و اوزان و بحور قراردادی است که قالب‌های لفظی مجرد و پیوسته به شمار می‌آیند. اما نظم آهنگ درونی، محصول جلالت تعبیر و ابهت بیان است. فاصله میان این دو نوع موسیقی بسیار زیاد است، زیرا در نوع دوم، زیبایی لفظ و شکوه معنای آن پیوندی ناگسستنی دارند و هماهنگی میان این دو، نواهایی احساس برانگیز ایجاد می‌کند و نسیمی روح‌نواز به وزیدن در می‌آورد و درون آدمی را به تکاپو می‌اندازد... گویی کلمات قرآن در دستان خالقشان ذوب می‌شوند، نظام می‌گیرند و نظم و آهنگی بی‌مانند در آنان تجلی می‌یابد» (معرفت، ۱۳۹۸: ۳۲۹-۳۳۰).

به نقل از مصطفی محمود، راز شگفت‌انگیز معماری قرآن در سبک بی‌نظیر و اسلوب منحصر به فرد آن، بیان‌گر این است که قرآن نه شعر است، نه نثر، و نه کلامی مسجع؛ بلکه قسمی از معماری سخن است که موسیقی درونی آن را آشکار می‌سازد (معرفت، ۱۳۹۸: ۳۲۹).

در آثار و پژوهش‌های مختلف، قرآن کریم از نظر جنبه‌های بلاغی و هنری مورد بررسی قرار گرفته است. در اکثر این بررسی‌ها، رسایی و بلاغت بی‌نظیر قرآن و برتری آن بر تمامی متون هنری از جمله شعر و نثر تأکید شده است. زبان و ادبیات قرآن به شکلی خارق‌العاده بلیغ‌تر از هر زبانی معرفی شده و تأکید می‌شود که تقریباً تمام الفاظ و عبارات قرآن دارای نظم آهنگ درونی خاصی هستند.

معرفت به نقل از سید قطب، قرآن را بسیار برتر از موسیقی می‌داند زیرا قرآن اصول و قواعد موسیقی را ندارد (معرفت، ۱۳۹۸: ۳۲۶). بر اساس این نظر، می‌توان سه دلیل برای وجود یک روش خاص موسیقایی در قرآن کریم ذکر کرد:

۱. وقتی یک کل برتر از اجزای خود باشد، تمام ویژگی‌های خوب اجزا در آن متجلی است و علاوه بر آن، ویژگی‌های خاص دیگری نیز دارد که در هیچ‌یک از اجزا وجود ندارد. قرآن در این تعریف به عنوان کل برتر در نظر گرفته می‌شود.

۲. هر کلامی فی‌ذات و طبق مفهومش دارای لحن و آهنگ خاصی است. بنابراین، قرآن نیز به عنوان متن، دارای لحن و آهنگ مخصوص به خود است.

۳. قرآن کریم نمی‌تواند عاری از هر نوع موسیقی باشد، زیرا در این صورت هیچ‌گونه سازگاری با الحان و نغمات عرب نداشته و امکان تلاوت آن به سبک رایج ممکن نمی‌شد. به این ترتیب، «یک نوع موسیقی درونی در کلام قرآن وجود دارد که احساس شدنی است اما به سختی توصیف می‌شود» (سید قطب، ۱۳۹۵: ۸۳).

این توصیف نشان می‌دهد که موسیقی قرآن بسیار برتر از موسیقی زائیده ذهن بشر است که قابل دسته‌بندی و درجه‌بندی باشد. همچنین، بیان نکات ویژه در مورد موسیقی قرآن به معنای آن نیست که تمام متن قرآن ویژگی موسیقایی دارد، بلکه این ویژگی یکی از جنبه‌های زیبایی‌شناختی قرآن کریم است. برای تقریب ذهن، می‌توان نوازنده‌ای را تصور کرد که می‌خواهد سنتور بنوازد. او ابتدا باید شناخت کاملی از اجزای ساز داشته باشد، گوشه‌های آن را کوک کند و سپس با مضراب خود، با اصولی که می‌داند بر تارهای آن می‌کوبد تا تمام نُت‌ها را در جایگاه درست استفاده کند. نتیجه این خواهد بود که یک ملودی اصولی و زیبا با توجه به نظم آهنگ درونی سیم‌ها و اجزای ساز بوجود می‌آید.

اگر این مثال را به هنر تلاوت قرآن تعمیم دهیم، قرآن را می‌توان به عنوان "ساز" بی‌مانند دانست که هرچه نوازنده (قاری) بیشتر از آن اطلاع داشته و بر آن تسلط پیدا کند، بهتر با آن ارتباط برقرار کرده و روح و احساس خود را به آن می‌سپارد، تارهای الفاظ قرآن را بهتر نوازش کرده و ملودی‌ها و ابداعات زیبا و شیواتری ارائه خواهد کرد که به تبع آن، وظیفه القای مفاهیم به نحو احسن نیز به درستی انجام خواهد شد.

معرفت به نقل از "دراز" نیز با همین مضمون اشاره می‌کند: «در این حروف، گویی یکی می‌نوازد، دیگری طنین افکن است، سومی نجواگر است و چهارمی بانگ برآورنده، و شما زیبایی آهنگ را در دسترس خود می‌یابید؛ مجموعه‌ای گوناگون و هماهنگ، نه تکرار مکرر و نه بی‌معنی، نه سستی و نه غلظت، و نه تناقض در حروف و آواها» (معرفت، ۱۳۹۸: ۳۲۲).



همچنین، همان‌طور که جملات و عبارات قرآن دارای نظم آهنگی منظم است، این ویژگی در واژگان و کلماتش نیز نهادینه است. زیرا آن جملات، متشکل از الفاظ و کلماتی است که به‌صورت درونی نیز آهنگ دارند: «برخی از واژه‌ها، حریرگونه و لطیف است، برخی با هیبت و باوقار است، گروهی لبخند بر لب و شراب مهر در دل دارند و برخی مانند رویا هستند. . از این جهت تفاوت واژه‌ها بسیار است؛ تفاوت در آوا و آهنگ، تفاوت در صورت، در معنا و مفهوم و...» (شکریگی، مروتی، ۱۳۹۱: ۲۰). بنابراین، واژگان به‌طور خود به‌خود از موسیقی برخوردارند که به دریافت مفهومشان مرتبط است و به عبارتی، هر واژه در درونش آهنگی به همراه دارد که بار معنایی آن واژه است. اولین آهنگ معنایی کلمات در تلاوت مربوط به این نکته است: «گاهی آهنگ و صوت کلمه با اتفاقاتی که رخ می‌دهد به ترتیب برابری می‌کند. یعنی حرف اول، ابتدای واقعه، حرف دوم وسط واقعه و حرف سوم، انتهای واقعه را نشان می‌دهد و صوت و آهنگ حروف، ما را به معنای نظر می‌رساند» (مشکین فام، خالقیان، ۱۳۸۶: ۱۳).

در آیه ۲۷ سوره نازعات آمده است: «أَنْتُمْ أَشْدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا». در این آیه، واژه «أَشْدُّ» شامل حروفی است که از نظر آوایی و موسیقایی ویژگی‌های خاصی دارند. حرف "أ" یا همزه قطع، از صامت‌های انفجاری است؛ حرف "ش" دارای صفت تنشی است و صدایی شبیه به صدای بستن طناب قبل از محکم کردن آن ایجاد می‌کند؛ و حرف "د" نیز از صامت‌های انفجاری است که شدت و جهر بیشتری نسبت به حروف قبلی دارد. این ترکیب حروف به کمک موسیقی مخارج، معنای سخت‌تر بودن را به گوش شنونده منتقل می‌کند. این معنا، علاوه بر موسیقی لفظی، در معنا نیز آهنگی دارد که با اجرای صحیح آکسان‌ها و تکیه‌گاه‌های لفظی، موسیقی نهفته در آن نیز نواخته می‌شود و معنای واژه را رساتر و قابل فهم‌تر منتقل می‌کند.

بر همین اساس، هماهنگی و ارتباط بین لفظ و معنا در قرآن، آهنگ واژه‌هایی که بهشت را به تصویر می‌کشد، با واژه‌هایی که از جهنم و آتش سخن می‌گوید، مغایر است. آهنگ واژه‌هایی که رنج و سختی را بیان می‌کنند با واژه‌هایی که راحتی و آسایش را منتقل می‌کنند، متفاوت است. به عبارتی، اگر آیه‌ای از عذابی هولناک خبر می‌دهد، واژه‌های آن نیز آهنگی خشن و تکان‌دهنده دارند؛ ولی اگر آیه‌ای به توصیف بهشت و نعمت‌ها می‌پردازد، موسیقی واژگان لطیف و دلنواز است (قاسم‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۵).

برای نمونه، واژه «عُتِّلَ» با دو ضمه متوالی و تشدید «لام»، واژه‌ای سخت و خشن است که آهنگی خشنماک دارد. در سوره قلم، این واژه برای مرد خشن و مردم‌ستیز و پرخور به کار رفته است: «عُتِّلَ بَعْدَ



ذَلِكَ زَنِيمٌ (قلم: ۱۳). همچنین، در توصیف قیامت، لحن تند و محکمی از ضرباهنگ واژگان و حروف قابل دریافت است: «اَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ» (قمر: ۱). اما در موضوعات عاطفی، موسیقی قرآن با محتوای ملایم و عاطفی هماهنگ است؛ مانند ضرباهنگ ملایم و عاطفی در آیه «أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى» (ضحی: ۶) (سیدی، ۱۳۷۷: ۴۷-۴۸).

آیات قرآن توانایی برقراری ارتباط با مخاطب و انتقال معارف را دارند؛ به عبارتی، موسیقی معنایی، صدای تصویرگری واژگان است و رابطه‌ای میان الفاظ و معنا ایجاد می‌کند که در بالاترین درجه ابزارهای بیانی قرار می‌گیرد. نظم آهنگی که از مفاهیم ژرف الفاظ و جمله‌بندی‌های قرآن برخاسته، احساسات خواننده را درگیر می‌کند و منجر به تولید محتوای بیرونی باکیفیت و مطلوب می‌شود. این احساسات بسته به میزان خضوع قاری هنگام تلاوت، تقوی و ایمان او، و همچنین سطح ارتباط قلبی و روحی با آیات الهی، متفاوت است. این تفاوت باعث می‌شود که تکرار در خلق الحان بدیع نیز رخ ندهد. نظم آهنگ درونی آیات الهی به قاری نشان می‌دهد که چگونه باید عبارات را تلاوت کند. طالقانی می‌گوید: «آهنگی که از وقف، ابتدا، حرکت، وصل، فصل، مد، قصر، کوتاهی و بلندی جملات، ادغام، ارسال، اخفاء، اضممار و مانند این‌ها برمی‌آید و صدای حروفی که در وسط یا آخر کلمات و آیات منعکس می‌شود، انطباق خاصی با "معانی و مقاصد" دارد» (طالقانی، ۱۳۹۰: ۲-۳).

علاوه بر نکات اشاره‌شده، در قرآن کریم شاهد نوآوری‌هایی در زمینه آهنگ واژگان نیز هستیم. برای مثال، در آیات ۱۵ و ۱۶ سوره انسان، کلمه «قواریرا» با هدف حفظ موسیقی کلام با تتوین ذکر شده است، در حالی که نزد نحویان این واژه جزء موارد غیرمنصرف است و تتوین نمی‌پذیرد. همچنین، واژه «سندعو» در آیه ۱۸ سوره علق به جهت هماهنگی با «فلیدع» که در آیه پیشین آمده، به صورت «سندع» آمده است (صغیر، ۱۴۲۰: ۱۵۳-۱۵۴؛ رک. قاسم‌نیا، ۱۳۹۶: ۶۰). در نتیجه، علاوه بر انتقال مفاهیم و نظم درون‌متنی، نظم آوایی قرآن نیز حفظ شده و در انتقال معنا نقش مهمی ایفا می‌کند.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، با بررسی آوایی و موسیقایی آیات قرآن کریم و نمود آن در هنر تلاوت، نتایج زیر حاصل شد:

۱. بخش قابل توجهی از الفاظ و عبارات آیات قرآن مجید دارای نظامی خاص در آهنگ درونی هستند. موسیقی معنایی حروف، پایه‌گذار موسیقی معنایی کلمات است و موسیقی معنایی کلمات، شکل‌دهنده موسیقی آیات. در نتیجه، آهنگ معنایی آیات همان موسیقی درونی قرآن است که ابتدا در جان قاری تأثیر می‌گذارد و سپس با پردازش‌های صوتی و لحنی قاری، به نفوس شنوندگان نفوذ می‌کند.

۲. مفاهیم و معانی، خالق موسیقی درونی قرآن هستند؛ چرا که از طریق موسیقی واژگانی موجود در آیات، قرآن خود را معرفی و تفهیم می‌کند.

۳. آنچه زینت بخش و اساس معنامحوری تلاوت قاریان قرآن، به‌ویژه در سطوح عالی و حرفه‌ای است، همان نظم آهنگ درونی متن قرآن کریم است. سایر تخصص‌ها در تکمیل این فرآیند و زیباتر جلوه‌دادن آن به کار می‌روند. دستیابی به تلاوتی مطلوب که تأثیری شگرف ایجاد کند - به‌گونه‌ای که هم خواننده را به فیض اکمل و درکی عمیق‌تر برساند و هم شنوندگان عامه را از استماع سخنان حضرت حق متأثر سازد - مستلزم رعایت «نظم آهنگ درونی» و چینش دقیق آیات است.



فهرست منابع

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ش.
۲. ابن رشيق، ابوالحسن القيرواني الأزدي، العمدة، تحقيق: محمد محي الدين عبدالحميد، بی جا، بی نا، ۱۹۹۲م.
۳. ابن فارس، ابو الحسين؛ مقاييس اللّغة، قم: مكتب الاعلام الاسلامي، ۱۴۰۴ق.
۴. اسدزاده، هوشنگ؛ اسدزاده، ابراهيم، موسيقي، بی جا: انتشارات آفتاب گيتي، ۱۳۹۴ش.
۵. بنت الشاطي، عايشه، الاعجاز بياني و مسائل ابن الازرق، مصر: دارالمعارف، ۱۳۶۱ق.
۶. بيهقي، احمد بن علي، تاج المصادر، تهران: هادي عالمزاده، ۱۳۷۵ش.
۷. تولستوي، لي نيكالايويچ، هنر چيست، ترجمه: كاوه دهگان، تهران: اميركبير، ۱۳۸۳ش.
۸. جعفري، يعقوب، تفسير كوثر، قم: هجرت، ۱۳۷۶ش.
۹. حسامپور، سعيد، جباره، عظيم، «بررسی مقامات قرآنی در تلاوت چند تن از قاریان»، مطالعات اسلامي، علوم قرآن و حدیث، شماره ۸۵، پاییز و زمستان، ۱۳۸۹ش.
۱۰. دياني، اكرم، «درآمدی بر شناخت موسیقي قرآن، ادیان، مذاهب و عرفان»، نشریه اندیشه تقرب، ۱۳۸۵ش.
۱۱. راغب اصفهانی، حسين بن محمد، المفردات ألفاظ القرآن، بيروت: دارالشامية، ۱۴۱۲ق.
۱۲. رافعی، مصطفی صادق و ابن الدین، عبدالحسین، اعجاز قرآن و بلاغت محمد، تهران: بنیاد قرآن، ۱۳۶۱ش.
۱۳. زرین کوب، عبدالحسین، نقد ادبی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۱ش.
۱۴. سیدی، سید حسین و شاهوردی، فرحناز، «درآمدی بر زیبایی شناسی تکرار حروف در نظم آهنگ درونی آیات قرآن»، نشریه پژوهش های قرآنی، ۱۳۹۲ش.
۱۵. سیدی، سید حسین، سبب سبب شکوفه شب بو، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی نقش، ۱۳۷۷ش.
۱۶. شاذلی، سید بن قطب، التصوير الفني فی القرآن، ترجمه محمدعلی عابدی، نشر انقلاب، ۱۳۹۵ش.
۱۷. شاهمیوه اصفهانی، غلامرضا، «پژوهشی در جلوه های موسیقایی هنر تلاوت»، بی جا، نشر تلاوت، ۱۳۸۷ش.
۱۸. شکریگی، نرگس و مروتی، سهراب، «بررسی جنبه های زیبایی شناختی موسیقی قرآن کریم»، نشریه ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۹۱ش.

۱۹. مجید صادقی مزیدی؛ حمید فرحناکی بوشهری. "نگرشی بر ماهیت تغنی در تلاوت قرآن".
مطالعات قرائت قرآن، ۱۲، ۷، ۱۳۹۸، ۱۸۹-۲۰۶. doi: ۲۲۰۳۴/۱۰/۲۷۱۸/۲۰۱۹
۲۰. صغیر، محمد حسین علی، الصوت اللغوی فی القرآن، بیروت: دارالمورخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۱. طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن (قسمت اول) بی جا، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰ش.
۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۳۹۰ق.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرّسین، ۱۴۱۳ق.
۲۴. طیبی، التبیان فی علم المعانی و البدیع و البیان، بیروت: بی جا، ۱۳۶۵ش.
۲۵. عباس نژاد، محسن، مبانی و مقدمات رابطه قرآن و علوم روز، تهران: بی جا، ۱۳۸۵ش.
۲۶. قاسم نیا، سلمان و دیگران، «موسیقی قرآن در فرایند ترکیب و آرایش معطوف به معنای واژگان»،
نشریه کتاب قیم، ۱۳۹۶ش.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی؛ بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۹۹۰م.
۲۸. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۹. محمود، مصطفی، القرآن محاولة لفهم العصری؛ دارالمعارف، ۱۹۷۶م.
۳۰. مشکین فام، دکتر بتول؛ خالقیان، ام البنین، موسیقی الفاظ قرآن و اثر آن بر معنابخشی واژگان؛
نشریه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۱۳۸۶ش.
۳۱. معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، قم: انتشارات تمهید، ۱۳۹۸ش.
۳۲.، التمهید؛ قم: انتشارات تمهید، ۱۳۸۱ش.
۳۳. نقی پور، ولی الله، تدبر در قرآن؛ قم: انتشارات أسوه، ۱۳۷۱ش.
۳۴. نیک بخت، علیرضا، استعانت از قرآن کریم، تهران: قبله، ۱۳۷۸ش.

Resources

1. ‘Abbās-Nizād, Moḥsen, *Mabānī wa Muqaddimāt Rābiṭah-yi Quran wa ‘Ulūm-i Rūz (Foundations and Introduction to the Relationship between the Quran and Contemporary Sciences)*, Tehran: n.p., 1385 SH (2006 CE).
2. Asadzādah, Hushang, & Asadzādah, Ibrāhīm, *Mūsīqī (Music)*, N.p.: Āftāb-i Gītī Publications, 1394 SH (2015 CE).
3. Bayhaqī, Aḥmad bin ‘Alī, *Tāj al-Maṣādir (The Crown of Sources)*, Tehran: Hādī ‘Ālamzādah, 1375 SH (1996 CE).
4. Bint al-Shāfi, ‘Ā’ishah, *Al-I’jāz al-Bayānī wa Masā’il Ibn al-Azraq (The Miraculous Eloquence and Issues of Ibn al-Azraq)*, Egypt: Dar al-Ma’ārif, 1361 AH (1942 CE).
5. Dīyānī, Akram, “*Darāmadī bar Shnākhit-i Mūsīqī-yi Quran, Adyān, Mazāhib wa ‘Irfān*” (An Introduction to the Understanding of Quranic Music, Religions, Sects, and Mysticism), Nashriyah-yi Andīshah-yi Taqrīb (Journal of Convergence Thought), 1385 SH (2006 CE).
6. Ḥosām-pūr, Sa’īd, & Jabārah, ‘Azīm, “*Barresī-yi Maqāmāt-i Quranī dar Tilāwat-i Chand Tan az Qārīān*” (Examination of Quranic Modes in the Recitation of Several Reciters), Maqālāt-i Islāmī, ‘Ulūm-i Quran wa Ḥadīth (Islamic Studies Journal, Quran and Hadith Sciences), Issue 85, Autumn and Winter, 1389 SH (2010 CE).
7. Ibn Fārīs, Abū al-Hossein, *Maqāyīs al-Lughah (The Standards of Language)*, Qom: Maktab al-‘Ālām al-Islāmī, 1404 AH (1984 CE).
8. Ibn Khaldūn, ‘Abd al-Raḥmān, *Muqaddimat Ibn Khaldūn (The Prolegomena of Ibn Khaldūn)*, Translated by Mohammad Parvīn Gunābādī, Tehran: ‘Ilmī wa Farhangī Publications, 1375 SH (1996 CE).
9. Ibn Rashīq, Abū al-Ḥasan al-Qayrawānī al-Azdī, *Al-’Umda (The Authority)*, Edited by Mohammad Muḥy al-Dīn ‘Abd al-Ḥamīd, N.p., n.p., 1992 CE.
10. Ja’farī, Ya’qūb, *Tafsīr Kausar (The Kausar Commentary)*, Qom: Hijrat Publications, 1376 SH (1997 CE).
11. Kulayni, Mohammad bin Ya’qūb, *Uṣūl al-Kāfi*, Beirut: Dar al-T’arūf li al-Maṭbū’āt, 1990 CE.
12. Ma’arifāt, Mohammad Hādī, *‘Ulūm-i Quranī (Quranic Sciences)*, Qom: Intishārāt-i Tamhīd, 1398 SH (2019 CE).
13. Ma’arifāt, Mohammad Hādī, *Al-Tamhīd (The Introduction)*, Qom: Intishārāt-i Tamhīd, 1381 SH (2002 CE).
14. Maḥmūd, Muṣṭafā, *Al-Quran Muḥāwalāh li Fahm al-’Aṣrī (The Quran: An Attempt to Understand Modernity)*, Dar al-Ma’ārif, 1976 CE.
15. Majlisī, Mohammad Bāqir, *Bihār al-Anwār (Seas of Lights)*, Beirut: Dar Ihya’ al-Turāth al-’Arabī, 1403 AH (1983 CE).
16. Moshkīn Fām, Dr. Batūl, & Khālīqīān, Umm al-Banīn, *Mūsīqī Kalimāt-i Quran wa Asar-i Ān bar Ma’nā-bakhshī-yi Vāzhagān (The Music of Quranic Words and Its Effect on the Meaning of Words)*, Nashriyah-yi Taḥqīqāt-i ‘Ulūm-i Quran wa Ḥadīth (Journal of Quranic and Hadith Studies), 1386 SH (2007 CE).
17. Naqī Pūr, Walī-Allāh, *Tadabbur dar Quran (Contemplation in the Quran)*, Qom: Intishārāt-i Aswah, 1371 SH (1992 CE).
18. Nīk-Bakht, ‘Alī Rezā, *Istī’ānāh az Quran-i Karīm (Seeking Help from the Noble Quran)*, Tehran: Qiblah Publications, 1378 SH (1999 CE).

19. Qāsim Niyā, Salmān, et al., "*Mūsīqī Quran dar Farāyand-i Tarkīb wa Ārayesh-i Maṭn-i Vāzhagān*" (*The Music of the Quran in the Process of Combining and Arranging Lexical Meanings*), Nashrīyah-yi Kitāb Qayyam (Journal of the Noble Book), 1396 SH (2017 CE).
20. Rāfī'ī, Muṣṭafā Ṣādiq, & Ibn al-Dīn, 'Abd al-Hossein, *I'jāz-i Quran wa Balāghat-i Mohammad* (*The Miraculous Nature of the Quran and the Eloquence of Mohammad*), Tehran: Bunyād-i Quran, 1361 SH (1982 CE).
21. Rāghib al-Isfahānī, Hossein bin Mohammad, *Al-Mufradāt fī Ghārīb al-Quran* (*The Unique Terms in the Quran*), Beirut: Dar al-Shāmiyyah, 1412 AH (1992 CE).
22. Sādiqī Mīzīdī, Majīd, & Farḥanākī Būshahrī, Ḥamīd, "*Nagarshī bar Māhiyyat-i Taghannī dar Tilāwat-i Quran*" (*A Perspective on the Nature of Chanting in Quranic Recitation*), *Mutāla'āt-i Qirā'at-i Quran* (Quranic Recitation Studies), 7(12), 1398 SH (2019 CE), pp. 189-206. doi: 10.22034/qer.2019.2718.
23. Ṣaghīr, Mohammad Hossein 'Alī, *Al-Ṣawṭ al-Lughawī fī al-Quran* (*Phonetic Sounds in the Quran*), Beirut: Dar al-Murakhkhin al-'Arabī, 1420 AH (1999 CE).
24. Seyyedī, Seyyed Hossein and Shāhwurdī, Farahnāz, "*Darāmādī bar Zībā'ī-yi Shenāsī-yi Takrār-i Hurūf dar Naẓm-i Āhang-i Dākhilī-yi Āyāt-i Quran*" (*An Introduction to the Aesthetics of Repetition of Letters in the Internal Rhythm of Quranic Verses*), *Nashrīyah-yi Pazhuhishhā-yi Quranī* (Journal of Quranic Research), 1392 SH (2013 CE).
25. Seyyedī, Seyyed Hossein, *Sabad-Sabad-i Shukūfah-yi Shab-Bū* (*Basket-Basket of Night-Blooming Jasmine*), Qom: Mū'assasah-yi Farhangī Intishārāt-i Naqsh, 1377 SH (1998 CE).
26. Shādhilī, Seyyed bin Qutb, *Al-Taswīr al-Fannī fī al-Quran* (*Artistic Imagery in the Quran*), Translated by Mohammad 'Alī 'Ābidī, Intishārāt-i Enqelāb, 1395 SH (2016 CE).
27. Shāh-Mīwah Isfahanī, Gholām-Rezā, "*Pajūheshi dar Jlawah-hā-yi Mūsīqī-ā'ī Hunar-i Tilāwat*" (*A Study on the Musical Aspects of Recitation Art*), N.p.: Nashr-i Tilāwat, 1387 SH (2008 CE).
28. Shakurbīgī, Nargis, & Marvatī, Suhrāb, "*Barresī-yi Janbah-hā-yi Zībā'ī-ṣh Shīnāshī-yi Mūsīqī Quran-i Karīm*" (*Examining the Aesthetic Aspects of Quranic Music*), *Nashrīyah-yi Adabīyāt wa 'Ulūm-i Insānī* (Journal of Literature and Humanities), 1391 SH (2012 CE).
29. Ṭabāṭabā'ī, Seyyed Mohammad Hossein, *Al-Mizān fī Tafsīr al-Quran* (*The Balance in Quranic Exegesis*), Beirut: Mu'assasah al-'Ālmī li al-Maṭbū'āt, 1390 AH (1970 CE).
30. Ṭāliqānī, Seyyed Maḥmūd, *Partowī az Quran* (*A Glimpse of the Quran*), Volume 1, N.p.: Shirkah-yi Shāhāmī Intishār, 1390 SH (2011 CE).
31. Ṭībī, *Al-Tibyān fī 'Ilm al-Ma'ānī wa al-Badī' wa al-Bayān* (*The Clarification in the Science of Meanings, Eloquence, and Rhetoric*), Beirut: n.p., 1365 SH (1986 CE).
32. Tolstoy, Leo Nikolaevich, *What Is Art? (Art What Is)*, Translated by Kāveh Dehgān, Tehran: Amīrkabīr Publications, 1383 SH (2004 CE).
33. Ṭūsī, Mohammad bin Ḥasan, *Al-Tibyān fī Tafsīr al-Quran* (*The Clarification in Quranic Exegesis*), Qom: Jam'īyyat-i Mudarrisīn, 1413 AH (1993 CE).
34. Zarrīnkūb, 'Abd al-Hossein, *Naqd-i Adabī* (*Literary Criticism*), Tehran: Amīrkabīr Publications, 1361 SH (1982 CE).